



نظام آموزش کتابداری در دانشگاه‌های ایران، در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی و نکات لازم در

اصلاح و بهبود وضعیت موجود

نویسنده: حسن کیانی خوزستانی
عضو هیأت علمی گروه کتابداری دانشگاه الزهراء (س)
دانشجوی دوره دکتری کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی دانشگاه پنجاب - هندوستان

مطالعه در نظام آموزش کتابداری کشور مستلزم کسب آگاهی‌های اولیه از وضعیت کتابخانه‌ها و خدمات اطلاع‌رسانی در آنها است و سوابق کتابخانه‌های ایران قبل از ۱۳۳۰ نشان می‌دهد که در آن سالها تأکید کمتری بر روی خدمات کتابداری در تعریف امروزی وجود داشته است. تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و به دنبال آن گسترش سایر مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی در ایران، تأسیس کتابخانه‌های مدرن و سیستماتیک را افزایش داد و لزوم به کارگیری نیروی انسانی ماهر در چنین کتابخانه‌هایی باعث گشت تا مسئله آموزش کتابداری در ایران به صورت یک رشته علمی مورد قبول مجامع آموزشی قرار گیرد.

برنامه‌های آموزش کتابداری در ایران در طول عمر کوتاه خود فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر نهاده و تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. گرچه موفقیت‌های بدست آمده در مقایسه با میزان توسعه کتابخانه‌ها در کشور و رشد فزاینده خدمات اطلاع‌رسانی نوین کاملاً رضایت‌بخش نیست ولی امید است که در سایه تلاش‌های به عمل آمده در جهت شناخت بیشتر اهمیت و نقش کتابخانه‌ها و خدمات آنها در پیشرفت‌های علمی و صنعتی کشور، اعتبار از دست رفته این حرفه مقدس را که روزگاری موجب افتخار و سربلندی کتابخانه‌ها و کتابداران ایرانی در دیای قدیم غرب و شرق بوده است مجدداً بدست آید.

نیروی انسانی به عنوان یکی از اصول کلی مدیریت همواره مورد تأکید دانشمندان این علم بوده است و تربیت این نیرو در جهت انجام فعالیتهای مختلف سازمانی از وظایف عمده نظام‌های اداری محسوب و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی و تخصصی به عنوان عمده‌ترین مکانهای علمی برای این منظور معرفی گشته‌اند. پرورش و یا باز پروری نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز در برنامه‌ریزی‌های کشور، زمانی به نحو مطلوب تحقق خواهد یافت که این امر در سایه برنامه‌های صحیح و منطقی آموزشی و فراهم آوردن امکانات لازم صورت پذیرد.

رشد فزاینده دانش و اطلاعات، تغییر در نیازهای خوانندگان، توسعه تکاملی فن‌آوری اطلاعاتی در خدمات اطلاع‌رسانی سبب شد تا فعالیتهای کتابخانه‌ها از حالت امانت دادن کتب و استفاده به عنوان سالن قرائت، به خارج و به سوی خدمات نوین کتابداری سوق داده شوند و بدینسان شناخت نقش حیاتی کتابخانه‌ها در توسعه علمی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و کشورها سبب ایجاد تحولات بسیاری در نحوه اداره این مراکز فرهنگی گردید و گسترش کمی و کیفی انواع کتابخانه‌ها، نیاز به پرسنل ماهر و فنی را در آنها بشدت افزایش داد و در نتیجه همین نیاز، برنامه‌های آموزش کتابداری از حدود ۱۵۰ سال پیش به این طرف جنبه آکادمیک و علمی به خود گرفت.



آموزش کتابداری دانشگاهی ایران به میزان نسبتاً زیادی متأثر از نظام کلی آموزش عالی در کشور است و اصلاح و بهبود آن بدون ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در این نظام مشکل به نظر می‌رسد. برنامه‌ریزیهای آموزشی متمرکز در رشته‌های دانشگاهی و تعمیم آن در سراسر کشور بدون توجه به نظرات و پیشنهادات گروههای آموزشی در استانها و نیازهای خاص آن مناطق، سبب یکسویه نگرستن به مسائل آموزشی و عدم موفقیت کامل در اجرای صحیح برنامه‌های تعیین شده میگردند. تجربیات نشان می‌دهد که وضعیت موجود گزینش دانشجو، جایگاه ضعیف تحقیقات واقعی در دانشگاهها، کمبود کتب درسی فارسی، برنامه‌های درسی کهنه و کم‌ثمر، عدم تأمین مالی و کافی مدرسان، محققان و کتابداران متخصص و کم توجهی به کتابخانه‌ها از جمله مهمترین عواملی هستند که اصلاح و تغییرات در آنها سبب ایجاد بهبود و تحرک در آموزش عالی خواهد شد و بدینسان آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران نیز تابعی خواهد بود از نظام کلی آموزش عالی.

قبل از ورود به بحث اصلی یادآور می‌شود که توسعه کمی و کیفی آموزش کتابداری در سالهای بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، مسائل و مشکلاتی را پیش آورده که پرداختن کامل به آنها نیازمند بررسی و مباحثات کارشناسی وسیعی است و بسی تردید بررسی کوتاه حاضر در زمان اختصاص داده شده، تمام جنبه‌های این آموزش را در دو گرایش پزشکی و غیرپزشکی نمی‌پوشاند بلکه آغازی است بر تلاش‌های ناتمام دیگر.

سابقه آموزش کتابداری در ایران

الف - دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

توسعه و گسترش روزافزون آموزش عالی و ایجاد مراکز علمی و صنعتی در کشور رشد فزاینده انواع کتابخانه‌ها به ویژه دانشگاهی و تخصصی را به همراه داشت. شناخت روشهای

سیستماتیک سازماندهی منابع و ایجاد خدمات کتابداری نوین در جوامع پیشرفته علمی، انتظارات جدیدی را در مراجعان به کتابخانه‌ها ایجاد نمود و همین امر تأکیدی بود بر اهمیت مهارتهای ویژه برای کتابداران شاغل در کتابخانه‌های آن زمان، و لذا کسب چنین مهارتهایی در شرایط سالهای ۲۰ و ۱۳۱۰ میسر نبود مگر در سایه تشکیل کلاسهای آموزشی کوتاه‌مدت که اولین دوره آن در سال ۱۳۱۶ به همت آقای بیانی در دانشسرای عالی تهران برگزار و برحسب ضرورت و نیازهای خاص آن زمان در سایر مراکز دانشگاهی نیز ادامه یافت. دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ دو دوره و نیز دکتر ناصر شریفی اولین کتابدار ایرانی با درجه دکترای کتابداری، در سال ۱۳۳۸ موفق به برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت کتابداری گردیدند.

همزمان با رشد و تکامل چنین دوره‌هایی در سالهای بعد از ۱۳۴۰ و بازگشت تعدادی از کتابداران ایرانی که عمدتاً فارغ‌التحصیل دانشگاههای آمریکا و انگلستان بودند، نیاز به تشکیل دوره‌های آموزشی دانشگاهی را به شدت افزایش داد و با همکاری چند تن از مدرسان خارجی اعزامی به ایران، طرح تأسیس اولین دوره آموزش کتابداری ایران در مقطع فوق‌لیسانس تهیه و در سال ۱۳۴۵ در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران به اجرا درآمد. دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۷ و با همکاری پروفیسور مانگالا کتابدار هندی اقدام به تأسیس دوره لیسانس و یکسال بعد با پذیرش تعداد اندکی دانشجو از بین کارکنان کتابخانه مرکزی خود، یک دوره فوق‌لیسانس را دایر نمود. مدرسه عالی ایران زمین در سال ۱۳۴۸ با مدیریت آقای محمد مظاهری مدیر وقت کتابخانه ملی ایران فعالیت آموزشی خود در مقطع فوق‌دیپلم کتابداری آغاز نمود.

دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳ با همت دکتر هوشنگ ابرامی و با همکاری دو نفر از مدرسان هندی و آمریکایی چهارمین مرکزی بود که به تأسیس گروه کتابداری همت گماشت، این دانشگاه ابتدا دوره فوق‌لیسانس و از سال ۱۳۵۶



برنامه لیسانس را نیز به فعالیتهای خود اضافه نمود. گسترش فعالیتهای آموزشی دانشگاهها در سایر شهرستانها و نیاز به کتابداران متخصص برای اداره کتابخانههای مرکزی و دانشکدهای، سبب شد تا دانشگاه جندی شاپور اهواز (شهید چمران کنونی) که آموزش کتابداری را به صورت کهد در برنامه خود داشت، در سال ۱۳۵۶ اقدام به برگزاری یک دوره فوق لیسانس از بین کارکنان کتابخانه مرکزی نمود که این حرکت با شروع و گسترش مبارزات مردم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران متوقف گردید.

در همین اثنا دانشگاه متحدین (الزهراء کنونی) به کمک یکی از مدرسان آمریکایی (جان هاروی) شاغل در تهران، تأسیس دوره فوق لیسانس کتابداری را اعلام و اولین دوره دانشجوی خود را در این مقطع در مهرماه ۱۳۵۷ پذیرفت.

در آخرین سالهای قبل از ۱۳۵۷، گسترش فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی در شاخه های فرعی از علوم، به عنوان یک نیاز فوری مورد بحث قرار گرفت و رشد فزاینده نیاز کشور به ایجاد تسهیلات مطالعاتی و تحقیقاتی برای متخصصان علوم پزشکی سبب شد تا مرکز پزشکی شاهنشاهی سابق به عنوان تنها مرکزی که از طریق شبکه های On - Line اطلاع رسانی پزشکی بین المللی (ارائه خدمات جستجوی MEDLARS و TOXLINE) به شبکه های اطلاع رسانی پزشکی خارج از کشور وصل بود، با در اختیار گرفتن بودجه ارزی قابل ملاحظه ای، اقدام به تأسیس کتابخانه ای بزرگ و مجهز در این زمینه نمود که آخرین مجلات پزشکی معتبر دنیا را دریافت می داشت.

"جان هاروی" مدرس آمریکایی کتابداری در ایران در مقاله ای که در سال ۱۹۸۱ و پس از خروجش از کشور در رابطه با کتابداری ایران به چاپ رسانیده است بعضی از کتابخانه های پزشکی آن زمان را در اواخر سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ به عنوان عالی ترین نمونه های کتابخانه های تخصصی پزشکی معرفی کرده است. وی معتقد بوده که این قبیل کتابخانه ها به دلیل

اینکه رشته های پزشکی، مهندسی و حقوق از سالها پیش سه رشته تخصصی اصلی در ایران بوده اند، از توسعه زیادی برخوردار بوده و بنا بر گزارش دفتر مدیرانای شرقی W.H.O. (سازمان بهداشت جهانی)، در سال ۱۹۷۵ حمایت های ایران از کتابخانه های پزشکی نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه به جز عربستان سعودی در شرایطی بهتر بوده است و کتابخانه علوم پایه پزشکی دانشگاه تهران از نظر دارا بودن بهترین کتب پزشکی و کتابخانه دانشکده پزشکی شیراز از نظر اشتراک روزآمد دوره های صحافی شده مجلات، منابع کتابشناسی و چکیده نامه های موجود خود در سطح خاورمیانه دارای اعتبار خاصی بوده اند. وی در خانمه کتابخانه مرکز پزشکی شاهنشاهی سابق (دانشگاه علوم پزشکی ایران فعلی) را بعنوان کتابخانه ملی پزشکی و مجهزترین و بزرگترین کتابخانه پزشکی ایران معرفی می نماید.^۱

در چنین سالهایی با تأسیس کتابخانه های پزشکی جدید و تجهیز کتابخانه های موجود از یک طرف و نیازهای اطلاعاتی متخصصان پزشکی از طرف دیگر، به نظر می رسد که نیروی انسانی شاغل در این قبیل کتابخانه ها هم به دلیل تعداد اندک و هم به دلیل نداشتن آموزشهای کتابداری پزشکی، پاسخگوی نیازهای مراجعان در سطح مطلوب نباشند و لذا نیاز به تربیت کتابدار پزشکی بصورتی جدی احساس گردید. در این راستا دانشگاه علوم پزشکی ایران مسئولیت اولین دوره فوق لیسانس کتابداری پزشکی را در سال تحصیلی ۵۷ - ۱۳۵۶ بر عهده گرفت و برای اولین بار آموزش دانشگاهی این رشته رسماً در این سال آغاز به کار نمود.

حاصل دوازده سال آموزش کتابداری رسمی در ایران از سال ۱۳۴۵ لغایت ۱۳۵۷ که با همت و تلاش عده ای از کتابداران متخصص ایرانی صورت گرفت، تعدادی کتابدار آموزش دیده در سطوح فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس بودند که با توجه به نیازهای وافر کتابخانه های آن زمان به سرعت جذب و تعدادی از آنها نیز مسئولیت آموزش های بعدی



این رشته را برعهده گرفتند. در طی این سالها قدم‌های اولیه در جهت ایجاد یک طرح توسعه ملی به منظور تأمین نیروی انسانی لازم در زمینه اطلاع‌رسانی برداشته شد که طبعاً این امر با مشکلات و کمبودها و نارسایی‌های بسیاری نیز مواجه بوده است.

"جان هاروی" در بیان نتیجه یک بررسی به عمل آمده در سال ۱۹۷۷ می‌گوید: "هیچکدام از چهار گروه آموزش کتابداری در دانشگاههای تهران: تبریز، شیراز و مدرسه عالی ایران زمین، با بسیاری از عوامل مورد نظر در استانداردهای ایفای ۱۹۷۶ که در مورد شرایط لازم برای مدارس کتابداری تعیین شده بود مطابقت نداشته‌اند." وی در ادامه می‌افزاید تا این تاریخ برنامه‌های درسی کتابداری هنوز مراحل قبل از کامپیوتر را طی می‌کرده‌اند. از یک طرف کمبود کتب درسی فارسی و ضعف دانشجویان در زبان انگلیسی عامل مهمی بوده است که آنها را از پرداختن به مطالعات و تحقیقات بیشتر وادار می‌داشته است و از طرف دیگر هیچگونه تشویقی برای ادامه تحصیل مدرسان این رشته به عمل نیامده است. وی در خاتمه مقاله اشاره می‌کند که ضعف مدرسان در خدمات اطلاع‌رسانی و روزآمد نبودن با ادبیات جاری رشته موجب کاهش تحقیقات آنها در زمینه کاریشان شده است.^۲

ب- دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، جامعه اسلامی ایران تحولات جدیدی را طلب می‌کرد که یکی از آنها ایجاد تحولات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی در محیط دانشگاهها و نظام آموزش عالی کشور بود. در تابستان ۱۳۵۹ کلیه فعالیتهای آموزشی دانشگاهها به منظور انجام اصلاحات فرهنگی متوقف گردید و این وضع برای بعضی از رشته‌ها و مقاطع تا سال ۱۳۶۲ و برای تعداد دیگری از آنها تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. در این فاصله کلیه مدرسان خارجی در رشته کتابداری کشور را ترک و به جای آنها تعدادی از کتابداران

تحصیل کرده خارج از کشور به وطن بازگشته و فعالیت آموزشی را برعهده گرفتند. اولین وظیفه محول شده به دست‌اندرکاران آموزش کتابداری، تجدید نظر در متن دروس و ایجاد تغییرات لازم براساس وضعیت جدید کشور بود. بازنگری در ساختار برنامه‌های درسی کتابداری در مقطع فوق‌لیسانس تا سال ۱۳۶۵ به طول انجامید و پس از اعمال اصلاحات و تغییرات جدید نسبت به بازگشایی آن اقدام گردید. براساس مصوبات کمیته‌های تخصصی و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی، در بازگشایی جدید دانشگاهها، مقطع کارشناسی در بسیاری از رشته‌ها از جمله کتابداری به دوره کاردانی تبدیل گردید و مقطع کارشناسی در دانشگاههای تهران، شیراز و علوم پزشکی ایران همچنان ادامه یافت.

در مقایسه با وضعیت آموزش کتابداری در سالهای قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی باید اذعان نمود که متأسفانه با تمام تلاشهای به عمل آمده در این زمینه بسیاری از ضعفها و مسائل و مشکلات از جمله کمبود همیشگی بودجه، اهمیت ندادن به خدمات کتابداری، کمبود نیروی انسانی کارآمد، کمبود کتابهای درسی فارسی و نیز جایگاه ضعیف تحقیقات و تألیفات، همچنان لاینحل و عیناً به دوره بعدی انتقال یافته است. در اوایل بازگشایی دانشگاهها، رشته کتابداری به خاطر اعتبار ضعیف قبلی خود در بین سایر رشته‌ها، صدمات بیشتری را متحمل گردید و به نظر می‌رسید که در آن زمان اکثریت مسئولان دولتی نیاز کمتری را برای خدمات اطلاع‌رسانی مدرن در آموزش عمومی تحقیق و نیز سایر بخشهای آموزش عالی احساس می‌کردند. تبدیل مقطع کارشناسی به کاردانی که عدم رضایت بسیاری از دانشجویان این دوره را فراهم آورده بود موجب شد که فارغ‌التحصیلان جدید در این مقطع، نگرانی خود را برای ادامه تحصیل، در کلیه مجامع بیان نمایند و بالاخره فشارهای وارده بر گروههای آموزشی و سایر مسئولان تصمیم‌گیرنده موجب گشایش دوره کارشناسی ناپیوسته گردید. با بازگشایی دانشگاههای علوم



پزشکی در سال ۱۳۶۲ و ساختار تشکیلاتی جدید و همزمان با رشد روزافزون دانشکده‌های پزشکی جدید در استانهای کشور و در خلال سالهای ۷۰-۱۳۶۲، پزشکان و متخصصان علوم پزشکی زیادی تربیت و جذب مراکز درمانی و بهداشتی گشتند و به طور ناگهانی جامعه بزرگی از نیازمندان به اطلاعات پزشکی و خدمات اطلاع‌رسانی در این زمینه به وجود آمد که عمدتاً طالب تأسیس مراکزی بودند تا در آنجا به رفع نیازهای علمی خود بپردازند و لذا برای برقراری ارتباط صحیح با چنین جامعه‌ای لازم بود که به طور جدی گسترش کتابخانه‌های پزشکی مورد توجه قرار گیرند براساس تحقیقی که توسط اینجانب در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ و در جهت بررسی نیروی انسانی کتابخانه‌های پزشکی انجام گرفت، اکثریت مطلق این قبیل کتابخانه‌ها از نظر مدیریت و نیز نیروی انسانی متخصص کتابداری دچار مشکلات جدی بوده‌اند و به همین سبب گسترش فعالیتهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران در جهت اعتلای کتابداری پزشکی و تربیت نیروی متخصص در این زمینه قابل تحسین بوده و با وجود عمر کوتاه این حرکت، در طی چند سال گذشته و با همت دست‌اندرکاران محترم کتابداری پزشکی تحرک نسبتاً خوبی در این زمینه صورت گرفته که به عنوان نمونه می‌توان از برگزاری چهار دوره سمینار کتابداری و آموزش پزشکی، تشکیل دوره‌های کوتاه‌مدت ضمن خدمت برای کتابداران پزشکی، تأسیس انجمن کتابداران پزشکی و کمک به تأسیس گروههای جدید آموزشی در استانهای اصفهان، تبریز و کرمان نام برد. هر چند که به نظر می‌رسد تأسیس گروههای جدید آموزش کتابداری پزشکی بسیار عجولانه و بدون توجه به امکانات آموزشی موجود در استانهای مذکور صورت گرفته است، لیکن آغازی است بر حرکت به سوی توزیع جغرافیایی مناسب نیروهای متخصص کتابداری پزشکی در اقصی نقاط کشور و جلوگیری از تمرکز فارغ‌التحصیلان این رشته در تهران.

براساس شناسایی به عمل آمده در ابتدای سال ۱۳۷۵، در

حال حاضر ۱۸ گروه آموزشی کتابداری مشتمل بر ۱۴ گروه کتابداری عمومی در ۴ گروه کتابداری پزشکی به طور مستقل و به شرح زیر مشغول فعالیت هستند.

۱- گروههای آموزشی مستقر در دانشگاههای تهران: تبریز، شیراز، مشهد، شهید چمران اهواز، الزهراء، اصفهان، تربیت مدرس علامه طباطبائی، بیرجند و دانشگاه تربیت معلم تهران که این ۱۱ گروه وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی هستند.

۲- گروههای آموزش کتابداری پزشکی مستقر در دانشگاههای علوم پزشکی ایران، کرمان، اصفهان و تبریز وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۳- گروه آموزشی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی.

۴- مرکز آموزش عالی کتابداری کتابخانه ملی.

۵- گروه کتابداری دانشگاه شاهد وابسته به بنیاد شهید.

لازم به یادآوری است که اخیراً خبرهایی مبنی بر تأسیس گروههای جدید آموزشی در دانشگاههای بوشهر و کرمانشاه و یزد منتشر شده که نگارنده به علت دور بودن از ایران در سال گذشته از کم و کیف آن اطلاعی ندارد.

بررسی میزان موفقیت در بین گروههای آموزشی موجود در گرایشهای پزشکی و غیرپزشکی و مقایسه در نظام آموزشی با هم، نیازمند مطالعه دقیق بر روی برنامه‌های کلان در دو وزارتخانه مذکور و سازمانهای مربوط دیگر دارد که از حوصله این بحث خارج است. ولی لازم به ذکر است که نقاط ضعف و قوت به صورتی نسبی در هر کدام از دو دسته فوق وجود دارد که با مطالعات کارشناسی می‌توان از نقاط مثبت موجود در هر کدام از گرایش‌ها در جهت بهبود کیفیت آموزشی در دیگری استفاده نمود. مثلاً تجربه مفید پذیرش دانشجوی دوره کارشناسی کتابداری پزشکی از بین دیپلمه‌های علوم تجربی سبب تربیت کتابدارانی می‌گردد که عمدتاً از دانش و هوش نسبتاً بالاتری برخوردار خواهند بود و در مقابل این نقطه قوت، شاهد آن هستیم که بعضی از دانشگاههای علوم پزشکی



بدون مطالعات لازم و عدم دستیابی به حداقل امکانات آموزشی، دست به تأسیس گروههای جدیدی زده‌اند که ظاهراً با مشکلات بسیار جدی از نظر نیروی انسانی، کتابخانه مجهز و ابزار و منابع لازم روبرو هستند.

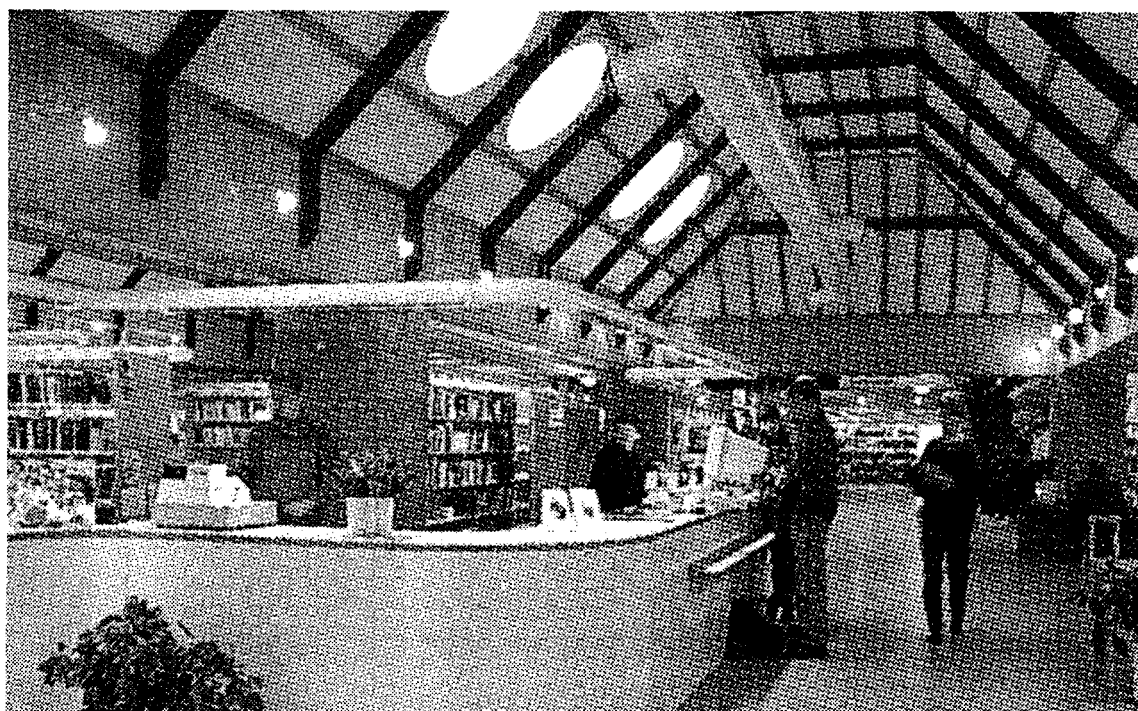
در ادامه به بررسی چند عامل اصلی در آموزش این رشته پرداخته شود، هر چند که تشریح چند عامل از مجموعه‌ای عوامل نمی‌تواند به طور کلی و کامل بیانگر وضعیت موجود باشد ولی امید است که اشاره به این عوامل تعیین کننده که نقش بسیار مهمی در امر آموزش این رشته دارند، هشدار می‌باشد مجدد برای تعجیل و اقدامات مقتضی از سوی آن دسته از مسئولان محترم آموزش کتابداری که دلسوزانه در صدد ایجاد تحولات و حل مسائل و مشکلات این رشته می‌باشند.

۱- مقاطع تحصیلی

در حال حاضر هر چهار مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دوره دکتری در گروههای آموزشی کتابداری کشور موجود بوده که مقطع کاردانی در شرایط فعلی منحصر

به دو دانشگاه و آن هم در فاصله یکی دو سال اخیر بوده است (دانشگاه بیرجند و دانشگاه تربیت معلم تهران). دانشگاه آزاد اسلامی تنها دانشگاهی است که علاوه بر مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، از چند سال پیش اقدام به پذیرش دانشجو در مقطع دکتری نموده است.

همان طوری که در بیان سوابق آموزش کتابداری اشاره گردید، شروع دوره کاردانی به قبل از سال ۱۳۵۷ در مدرسه عالی ایران زمین برمی‌گردد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال بازگشایی مجدد دانشگاهها، این مقطع مجدداً در برنامه کار آموزش کتابداری ایران قرار گرفت. نظر به وجود پاره‌ای اشکالات در برنامه‌های درسی و عدم پاسخگویی به نیازهای فنی کتابخانه‌ها، این دوره نه تنها با استقبال دانشجویان و حتی کتابخانه‌ها در جذب فارغ‌التحصیلان روبرو نشد بلکه پس از چند سال فعالیت و در اثر فشارهای وارده و بحث‌های موافق و مخالف بالاخره فعالیت آن متوقف گردید. در شرایطی که وجود دوره کارشناسی ناپیوسته به تدریج جای خود را به دوره کارشناسی پیوسته می‌دهد، وجود گروههای





آموزشی فعال در این مقطع و تربیت تعدادی کتابدار فوق‌دیپلم بدون وجود برنامه‌های مشخص جهت ادامه تحصیلات، چیزی جز دلسردی آنها و بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی در انجام وظایف محوله به ارمغان نخواهد آورد. لذا شایسته است که در جهت یکدستی و هماهنگی با سایر دانشگاهها، ضمن فراهم آوردن امکانات لازم آموزشی جهت گروههای مذکور، اجازه پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی به آنها داده شود. بنابر اطلاعات واصله دانشگاه بیرجند در دو سال گذشته تعداد ۶۱ نفر دانشجو را در این مقطع ثبت‌نام نموده است.

ب - مقطع کارشناسی

در رابطه با مقطع کارشناسی، دانشگاههای تهران، تبریز، شیراز و نیز مدرسه عالی ایران زمین به عنوان اولین مراکزی بودند که در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیتهای آموزشی در این مقطع مشغول بوده‌اند. با بازگشایی مجدد دانشگاهها این دوره موقتاً تعطیل و پس از مدتی به صورت دوره کارشناسی ناپیوسته پذیرای فارغ‌التحصیلان دوره‌های کاردانی گردید و هم اکنون نیز اکثریت دانشگاههای فعال در این رشته سالانه و گاهی دو نوبت دانشجوی کارشناسی را از طریق آزمون سراسری دانشگاهها می‌پذیرند. علاوه بر آن و همزمان با ایجاد گرایش پزشکی در کتابداری ایران و پذیرش دانشجوی دوره کارشناسی توسط وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، دانشگاههای علوم پزشکی ایران، کرمان، اصفهان و تبریز هم اکنون در این مقطع به تربیت کتابداران پزشکی مشغول هستند. حساسیت مقطع کارشناسی، که در شکل دادن شخصیت حرفه‌ای کتابداران آینده کشور جایگاه مهمی را دارا می‌باشد و درصد نسبی بیشتر فارغ‌التحصیلان این دوره ایجاب می‌نماید تا ضمن گسترش امکانات آموزشی موجود و با برنامه‌ریزیهای دقیق جهت رفع مشکلات و تنگناهای آن، اعتبار بیشتری به این دوره ببخشیم.

براساس اطلاعات بدست آمده از ۱۲ دانشگاه که دارای مقطع کارشناسی در کتابداری بوده و به سؤال مربوطه پاسخ داده‌اند، تنها در خلال ۵ سال گذشته (۷۵ - ۱۳۷۰) حدود ۱۷۶۰ دانشجو در این مقطع ثبت‌نام شده‌اند. کمبود کتب درسی فارسی، عدم تطابق برنامه‌های درسی با نیازهای واقعی کتابخانه‌ها، عدم پذیرش دانشجویان مستعد و توانا و کمبود امکانات آموزشی از مشکلات گزارش شده در این مقطع توسط مدرسان محترم می‌باشد.

ج - مقطع کارشناسی ارشد

این دوره که به علت قدمت سی ساله‌اش در ایران به میزان نسبتاً زیادی‌تری در بین برنامه‌های آموزشی این رشته جا افتاده است از سال ۱۳۴۵ آغاز به کار نموده است. تأسیس این مقطع با همکاری مدرسان خارجی و برنامه‌های غربی آنها هر چند که به عنوان نقطه‌ای آغازگر، در زمان خود اقدامی مفید به نظر می‌رسید ولی از همان ابتدا به علت عدم توجه کافی به نیازهای واقعی کتابخانه‌ها در ایران، جای بحث بسیار داشت. دانشگاههای تهران، شیراز، تربیت مدرس، آزاد اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی ایران از چند سال قبل در این مقطع فعال و اخیراً نیز دانشگاه شهید چمران اهواز درصدد تأسیس این دوره بوده و یا تأسیس نموده است. با توجه به رشد فزاینده مراکز اطلاع‌رسانی کشور و کمبودهای لازم در مشاغل مدیریتی کتابخانه‌ها توسط پرسنل متخصص، به نظر می‌رسد تعداد اندک فارغ‌التحصیلان این مقطع که متأسفانه سالانه درصدی از آنها هم جذب مشاغل قبلی خود و کارهای غیرکتابداری می‌گردند به هیچ وجه تکاپوی نیازهای کشور را نمی‌دهد. آمار بدست آمده از دو گروه آموزشی دانشگاه تهران و شیراز که به سؤال مربوطه پاسخ داده‌اند نشان می‌دهد که در ۵ سال گذشته در دانشگاه تهران حدود ۷۵ نفر و در دانشگاه شیراز طی سه سال گذشته ۱۸ دانشجو در این مقطع ثبت‌نام شده‌اند که با توجه به جذب تعدادی از فارغ‌التحصیلان آن به



مشاغل غیرمرتبط، رقم باقیمانده بعلاوه فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت مدرس، علوم پزشکی ایران و دانشگاه آزاد اسلامی پاسخگوی نیازهای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و نیز بخش تحقیقات و آموزش را نمی‌دهد. عدم گزینش صحیح دانشجو، ظرفیت محدود پذیرش دانشجو با توجه به کمبود امکانات آموزشی، کمبود مدرسان دارای درجه دکتری و بالاخره عدم تاکید لازم بر کارهای تحقیقاتی و کارهای عملی دانشجویان از نقاط ضعف این مقطع گزارش شده‌اند.

د - مقطع دکتری

افزایش تعداد فارغ التحصیلان دوره کارشناسی ارشد و نیازهای تخصصی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز لزوم تحصیلات تکمیلی برای مدرسان این رشته همگی حکایت از ضرورت تأسیس دوره دکتری در این رشته می‌نمایند. تشخیص این ضرورت و ناکافی بودن متخصصان موجود در مقطع دکتری در عرصه کتابداری ایران باعث شد تا از چند سال قبل برنامه‌ای در این زمینه تهیه گردد که ظاهراً به دلایل بسیاری از جمله عدم وجود امکانات آموزشی لازم هنوز به مرحله اجرایی نرسیده است. از آنجایی که تعداد کسانی که از طرق مختلف برای ادامه تحصیلات در این مقطع به خارج از کشور عزیمت می‌نمایند و تعداد فارغ التحصیلان بازگشته به کشور نیز با توجه به افزایش گروههای آموزشی جدید و گسترش فعالیتها در گروههای موجود و همچنین خلاء موجود در امر تحقیقات و تألیفات، به هیچ وجه جوابگوی نیازهای کتابداری کشور نیست لذا تأسیس این دوره از طرف گروههای آموزشی واجد شرایط و با در نظر گرفتن کامل امکانات آموزشی قوی، در حال حاضر اجتناب‌ناپذیر است. دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۷۰ به تأسیس این دوره همت گماشته که اولین دوره دانشجویان آن که در مرحله دفاع از پایان‌نامه هستند. دانشگاه تهران و تربیت مدرس از نظر توانایی‌های نسبی موجود و امکان دسترسی سریع‌تر به امکانات آموزشی نظیر مدرسان، کتابخانه‌های مجهز،

آزمایشگاه و منابع لازم و نیز به علت تعدد مراکز علمی و تخصصی در تهران، در اولویت‌های اول و دوم برای تأسیس این دوره قرار دارند و امید است به زودی نسبت به رفع اشکالات موجود در تأسیس این دوره اقدام و شاهد آغاز به کار آن توسط دو مرکز فوق و یا دیگر دانشگاههای واجد شرایط باشیم.

۲- برنامه‌های درسی

تغییرات پیاپی در برنامه‌ریزی درسی برای مقاطع مختلف این رشته و ایجاد تحولات کمی و کیفی و عدم ثبات در تصمیم‌گیریها موجب پیدایش بلا تکلیفی و سردرگمی زیادی در بین دانشجویان و مدرسان گشته است. حذف دوره کارشناسی و ایجاد مقطع کاردانی و سپس تأسیس دوره کارشناسی ناپیوسته و در پی آن دوره کارشناسی پیوسته سبب بهم ریختگی در برنامه‌های درسی و گاهی رفیق و غلیظ شدن محتوای دروس گردید. تصمیم‌گیریهای متمرکز و عدم مشارکت جدی گروههای آموزشی در آن سبب شده تا این گروهها جز در مواردی که بخشنامه‌ها اجازه تغییرات کوچکی را می‌دهند در بقیه موارد نتوانند مشکلات و نارسایی‌های برنامه‌های آموزشی را رأساً رفع نمایند. بازدهی تجربی فارغ التحصیلان در مقاطع مختلف نشان می‌دهد که میزان توانایی عملی آنها در رویارویی با امور جاری کتابخانه‌ها در سطحی مطلوب نمی‌باشد ولو اینکه تعدادی از این کتابداران با نمرات بسیار خوبی نیز فارغ التحصیل شده باشند. تعیین گرایشهای موضوعی در مقطع کارشناسی در حالی که پذیرش اکثریت دانشجویان فقط از بین گروه آزمایشی علوم انسانی صورت می‌گیرد، تأکیدی ظاهری بر قضیه تربیت کتابدار در گرایشهای مختلف علوم است زیرا محتوای تعدادی از دروس موجود در گرایشها نظیر آمار و ریاضیات، زیست‌شناسی، مبانی کامپیوتر و فیزیک عمومی با توانایی‌های علمی دانشجویان منتخب از دیپلمه‌های علوم انسانی آن هم با



نمرات پایین در آزمون ورودی و نیز با امکانات آموزشی تطابق کامل ندارند و به همین سبب در نظرخواهی به عمل آمده از مدرسان محترم این رشته، اکثریت آنها خواستار تغییرات در برنامه‌های درسی نظیر حذف، اضافه و یا ادغام دروس در یکدیگر و به ویژه ایجاد تحولات جدید در برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای تکنولوژیک کتابخانه‌ها را دارند.

۳- کادر آموزشی

فقر نیروی انسانی مجرب در بخش آموزشی نظام آموزش عالی در ایران و به تبع آن رشته کتابداری از مهمترین مسائل و معضلات موجود در این زمینه به شمار می‌آیند. کمبود مدرسان کتابداری با تجربه و آگاه به دانش روز از یک طرف و رویارویی همین تعداد اندک نیز با مسائل و مشکلات فراوان از طرف دیگر سبب شده تا قسمتی از توان علمی و عملی این دسته از مدرسان گهگاه صرف امور غیرآموزشی گشته و فرصت پرداختن کافی به خلاء موجود در این زمینه از جمله تحقیقات و تألیفات و نیز ایجاد ارتباطات علمی با دنیای خارج را نداشته باشند. بررسی در منابع کتابشناسی و مجلات کتابداری خارجی و جای خالی مقالاتی توسط کتابداران و مدرسان ایرانی مبین این حقیقت بسیار تلخ است و متأسفانه باید اذعان نمود که در حال حاضر جز تعداد اندکی از مدرسان و یا کتابداران متخصص که در سطح خوبی به تلاش در این زمینه مشغول هستند در بقیه موارد شاهد یک بی‌تفاوتی و سلب مسئولیت از خود می‌باشیم و این همان خطری است که خسارات جدی را در امر آموزش و اعتبار این رشته و دانشجویان آن به دنبال خواهد داشت.

براساس بررسیهای به عمل آمده، حدود ۸۳٪ از مدرسان تمام وقت شناسایی شده فعلی در گروههای آموزش کتابداری در مرتبه مربی، حدود ۱۱٪ استادیار، ۵٪ دانشیار و فقط یک نفر (کمتر از ۱٪) دارای مرتبه استادی است که چنانچه وضعیت موجود در مدرسان پاره‌وقت را نیز به آن اضافه

نماییم، درصدهای حاصله تفاوت معنی‌داری نخواهند داشت. از نظر تحصیلات، قسمت اعظم کادر هیأت علمی بررسی شده در این رشته را مدرسان فوق‌لیسانس با ۸۵٪ تشکیل داده‌اند و با احتساب حدود ۱۵٪ مدرسان با درجه دکتری انتظار می‌رود تا تسهیلات بیشتری جهت ادامه تحصیل مدرسان واجد شرایط فراهم تا از این راه از یک طرف به ایجاد انگیزه برای مدرسان و از طرف دیگر به اعتبار علمی بیشتر گروههای آموزشی و در نتیجه غنای علمی دانشجویان دست یابیم. حضور تعداد زیادی از مدرسان تمام‌وقت و کتابداران متخصص کتابخانه‌ها به صورت پاره‌وقت و یا حق‌التدریسی در فعالیتهای آموزشی سایر گروهها، گویای بارز نیاز به مدرسان بیشتری برای پوشش دادن تمام گروههای آموزشی به مدرسان تمام‌وقت می‌باشد.

بررسی تعداد مدرسان گروههای آموزشی کتابداری با درجه دکترای کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی و مقایسه نسبت موجود (حدود ۱۵٪) با مدرسان این رشته که دارای فوق‌لیسانس می‌باشند (حدود ۸۵٪)، نمایانگر نیاز جدی به ایجاد امکانات و تسهیلات لازم جهت ادامه تحصیل آن عده از مدرسان فوق‌لیسانس علاقمند و واجد شرایط می‌باشد.

توزیع نیروی انسانی در بخش آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران به گونه‌ای است که ۵۰٪ از مدرسان با درجه دکترای کتابداری در تهران و ۵۰٪ بقیه در سایر شهرستانهای کشور مشتمل بر اصفهان، کرمان، بیرجند، اهواز، تبریز، شیراز و مشهد اشتغال دارند و این در شرایطی است که در حال حاضر (سال ۱۳۷۵) از ۱۷ نفر دانشجوی دوره دکترای کتابداری که از بین اعضاء هیأت علمی گروههای آموزشی کتابداری دانشگاههای کشور در داخل و خارج از کشور مشغول به تحصیل می‌باشند، ۱۰ نفر (حدود ۶۰٪) از تهران و ۷ نفر (حدود ۴۰٪) از سایر شهرستانهای کشور بوده‌اند.

در حال حاضر توزیع مدرسان دارای فوق‌لیسانس کتابداری در دانشگاههای مستقر در تهران به تنهایی برابر است



با کلیه مدرسان این رشته در سایر دانشگاههای کشور. پاره وقت شاغل در دانشگاههای کشور را به تفکیک وضعیت
جدول شماره ۱- تعداد مدرسان کتابداری تمام وقت و تحصیلی و اشتغال در تهران و سایر شهرستانها نشان می دهد.

*** جدول ۱- تعداد مدرسان تمام وقت و پاره وقت موجود در گروههای آموزش کتابداری دانشگاههای ایران به تفکیک وضعیت تحصیلی تا پایان شهریور ماه ۱۳۷۵**

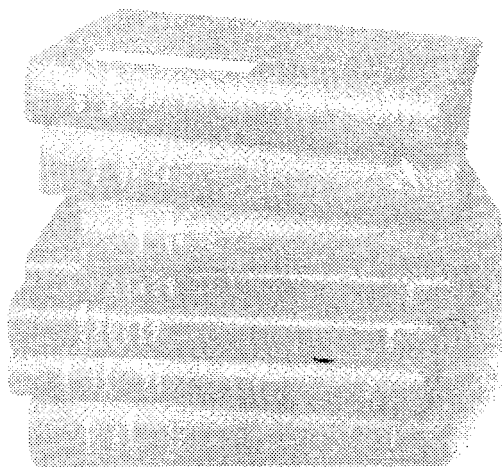
ردیف	نام دانشگاه	دکتری کتابداری		دانشجوی دکتری کتابداری		فوق لیسانس کتابداری		جمع	توضیحات
		محل جغرافیایی		محل جغرافیایی		محل جغرافیایی			
		تهران	سایر شهرستانها	تهران	سایر شهرستانها	تهران	سایر شهرستانها		
۱	دانشگاه آزاد اسلامی	—	—	۳	—	۵	—	۸	*
۲	دانشگاه الزهراء (س)	—	—	۱	—	۶	—	۷	مدرسان شاغل
۳	دانشگاه علوم پزشکی ایران	۲	—	—	—	۶	—	۸	در بیشتر از یک
۴	دانشگاه تربیت مدرس	۱	—	—	—	۲	—	۳	گروه آموزشی،
۵	دانشگاه تربیت معلم تهران	—	—	—	—	۲	—	۲	فقط یکبار و در
۶	دانشگاه تهران	۳	—	۲	—	۴	—	۹	یک گروه منظور
۷	دانشگاه شاهد	—	—	—	—	۳	—	۳	گردیده اند.
۸	دانشگاه علامه طباطبایی	—	—	۳	—	۲	—	۵	
۹	مرکز آموزش کتابداری	۱	—	۱	—	۸	—	۱۰	
	کتابخانه ملی								
۱۰	دانشگاه اصفهان	—	—	—	۲	—	۴	۶	
۱۱	دانشگاه علوم پزشکی اصفهان	—	—	—	—	—	۴	۴	
۱۲	دانشگاه علوم پزشکی	—	—	—	—	—	۶	۶	
	باهر کرمان								
۱۳	دانشگاه بیرجند	—	—	—	—	—	۳	۳	
۱۴	دانشگاه شهید چمران اهواز	—	۳	—	۲	—	—	۵	
۱۵	دانشگاه علوم پزشکی تبریز	—	—	—	—	—	۳	۳	
۱۶	دانشگاه تبریز	—	۱	—	—	—	۷	۸	
۱۷	دانشگاه شیراز	—	۲	—	۱	—	۳	۶	
۱۸	دانشگاه فردوسی مشهد	—	۲	—	۲	—	۴	۸	
۱۹	دانشگاه خلیج فارس	—	—	—	—	—	۲	۲	
	(بوشهر)								
۲۰	دانشگاه یزد	—	—	—	—	—	۳	۳	
	جمع	۷	۸	۱۰	۷	۳۸	۳۹	۱۰۹	

۴- پذیرش دانشجو

در شرایطی که اشتغال به حرفه کتابداری، علاقه مندی، شیوه موجود یکی از نقاط ضعف عمده ای است که در نظام
توانایی و صفات خاصی را طلب می نماید، پذیرش دانشجو با آموزشی این رشته وجود دارد. ساده انگاری کار در کتابخانه ها



طریق گزینش متمرکز وارد شده و پس از اتمام تحصیلات نیز به کار کتابداری نمی‌پردازند بلکه با گرفتن مدرک بالاتر به سرکار اصلی و یا قبلی خود بر می‌گردند، بدون اینکه تأثیر مثبتی در روند کمی یا کیفی کتابداری ایران بر جای بگذارند و این در حالی است که تعداد زیادی از کتابداران شاغل و لیسانسیه در سایر رشته‌ها و نیز فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی از ورود به مقطع بالاتر محروم می‌مانند.



۵- کارورزی

نگاهی به اهداف پیش‌بینی شده از سوی شورای عالی برنامه‌ریزی در رشته کتابداری جهت دروس کارورزی نشان می‌دهد که انتظار مطلوب این است که دانشجویان در خلال آموزشهای نظری و عملی در دروس تخصصی، از طریق گذراندن تعدادی واحد به عنوان کارورزی، به اشتغال در کتابخانه‌هایی مجهز توأم با مدیریتی صحیح و متخصص پرداخته تا بدین ترتیب آگاهی‌های لازم و فنی را در مواجهه شدن با مسایل و مشکلات عملی کار در کتابخانه‌ها به دست آورند.

جملات فوق توصیف بسیار جالب و زیبایی در رابطه با اهداف آموزشی کارورزی است ولی همگی بر این عقیده‌ایم که در عمل نه تنها به صورتی کامل به هیچ یک از اهداف فوق نرسیده‌ایم بلکه در پاره‌ای جهات وضع این دروس آنقدر

جایگاه ضعیف خدمات کتابداری در اذهان عامه مردم و عدم شناخت صحیح از این رشته در بین سایر رشته‌های دانشگاهی سبب پیدایش یک نیروی گریز از آن در بین جوانان با استعداد برای تحصیلات عالی شده است و به همین دلیل معمولاً داوطلبینی پای به عرصه آموزشی این رشته می‌گذارند که عمدتاً بدون شناخت، انگیزه و علاقه لازم و بعضاً بصورت تصادفی و فقط برای ورود به دانشگاه آن را انتخاب می‌نمایند. به علت عدم اختصاص هیچگونه معیاری جهت سنجش توانایی علمی و عملی و علاقمندی قبل از ورود به این رشته، تعدادی از دانشجویان جدید با انبوهی از بدبینی یا خوش‌بینی‌های کاذب و با تصورات واهی وارد می‌شوند، تعدادی از آنها معمولاً سال اول را با ذهنیات مخصوص و نیز تلاش در جهت تغییر رشته سپری می‌سازند و از سال دوم به بعد که تقریباً حضور آنها به عنوان دانشجوی کتابداری محرز می‌گردد قدم در دنیای سردرگمی می‌گذارند و با مشکلاتی نظیر ضعف در زبان انگلیسی، کمبود کتب درسی فارسی و غیره مواجه می‌شوند و عده‌ای از آنها تا اواخر تحصیل خود هم هنوز نسبت به این رشته توجیه نشده‌اند. از طرف دیگر نداشتن ضریب‌های مناسب برای زبان انگلیسی و یا تعیین حداقل سقف برای نمرات آزمون ورودی و یا شرط تجربه کتابداری، سبب ورود دانشجویانی به مقطع کارشناسی می‌گردد که حتی پس از فارغ‌التحصیلی نیز در امتحانات ورودی دوره کارشناسی ارشد، توان رقابت با داوطلبان دیگر رشته‌ها را ندارند. پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد نیز وضع بهتری از آنچه که گذشت ندارد. عدم انتخاب صحیح دانشجو در این مقطع سبب اتلاف بیشتر سرمایه ملی و عدم بهره‌وری لازم از فارغ‌التحصیلان گشته است و در شرایطی که لیسانسیه‌های کتابداری به دلایل ذکر شده عمدتاً قادر به ورود در این مقطع نیستند. شاهد هستیم که سالانه تعدادی از لیسانسیه‌های سایر علوم به ویژه زبان انگلیسی که در پاره‌ای موارد هیچگونه علاقه و شناخت واقعی به این رشته ندارند از



- ۲- وجود بخش‌های متنوع و انجام خدمات گوناگون و رضایت‌بخش کتابداری.
- ۳- تعداد کافی کارشناسان متخصص در کتابداری.
- ۴- ظرفیت پذیرش مناسب دانشجویان با توجه به ساعات کار مفید در هفته.
- ۵- مدیریت کتابخانه علاقمند و میزان همکاری وی.

ب - عوامل مؤثر در انتخاب و اعزام دانشجویان جهت کارورزی

- ۱- گرایش و علاقمندی دانشجویان در جهت کار در انواع کتابخانه‌ها پس از فراغت از تحصیل.
- ۲- قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه لازم با توجه به نمرات دانشجو در درسها و بحث‌های کلاسی.
- ۳- نوع کتابخانه محل اشتغال دانشجو در صورت شاغل بودن.
- ۴- میزان مسئولیت‌پذیری، دقت، نظم و سایر امور.

۶- ساختار تشکیلاتی، اداری و آموزشی گروهها

وضعیت نسبی گروههای آموزشی موجود به نحوی است که به صورت مستقل نقش‌چندانی در برنامه‌ریزیهای آموزشی نداشته و بیشتر مجری مصوبات و بخشنامه‌های کمیته‌های تخصصی مربوطه در وزارتخانه‌ها و یا سازمانهای متبوع می‌باشند. هر چند که در کمیته‌های تخصصی نمایندگانی از چند گروه آموزشی نیز حضور دارند ولی در آنجایی که تصمیمات در سطح کلان گرفته می‌شود، طبعاً به مسائل و مشکلات موجود در هر گروه آموزشی به صورت مستقل و اختصاصی پرداخته نمی‌شود.

عدم ارتباط و هماهنگی‌های میان گروهی در رشته کتابداری از دیگر مواردی است که به نوبه خود مشکلات آموزشی را از آنچه که هست حادث‌تر نموده است و متأسفانه در چند سال گذشته کمتر شاهد رابطه‌های سازمان یافته بین

تشریفاتی است که بی‌اختیار زنگ ورزش را در مدارس قدیم نداعی می‌نماید. نفس کارورزی بسیار نیکوست ولی متأسفانه نبودن یک تشکیلات منسجم در گروههای آموزشی جهت اعمال کنترل‌های صحیح و نظارت بر کار دانشجویان کارورز در کتابخانه، این هدف را به بیراهه کشانده است. اکثریت دانشجویان معتقدند که کارورزی در تعدادی از کتابخانه‌ها جز بیگاری کشیدن از دانشجو و گماردن به انجام کارهای ابتدایی و عقب افتاده کتابخانه ثمری نداشته است. رؤسای کتابخانه‌ها و یا کتابداران متخصص به علت مشغله زیاد و سایر عوامل دیگر وقت چندانی برای آموزش عملی کارورزان صرف نمی‌کنند و از طرف دیگر در مورد حضور دانشجویان در کتابخانه‌ها و نیز چگونگی و نحوه انجام امور، کنترل و ارزیابی جدی اعمال نمی‌گردد. براساس پرسش و پاسخ‌های انجام گرفته با تعدادی از دانشجویان دوره کارشناسی که مسئولیت دروس کارورزی آنها برعهده اینجانب بود، این نتیجه حاصل شد که اکثریت آنها از تأکید مسئولان کتابخانه‌ها بر انجام کارهای ابتدایی در بخشهای مختلف کتابخانه شکایت داشتند و معتقد بودند از دخالت جدی و یا کمک به آنها در انجام امور در بخش‌های فهرست‌نویسی، مرجع، سفارشات، نشریات و کامپیوتر که از حساسیت بیشتری برخوردار بوده‌اند جلوگیری و بیشترین توان آنها در میز امانت و بخش آماده‌سازی صرف می‌شده است. با توجه به مراتب فوق پیشنهاد می‌گردد که در هر گروه آموزشی با توجه به دو دسته عوامل تعیین شده زیر کتابخانه‌هایی انتخاب و پس از هماهنگی‌های کامل در مورد اهداف، تعداد و نوع دانشجویان، عوامل کنترل‌کننده و سایر مسائل اداری و آموزشی نسبت به معرفی دانشجویان اقدام گردد.

الف - عوامل مؤثر در انتخاب کتابخانه‌ها

- ۱- بعد مسافت از گروه آموزشی محل تحصیل نه نزدیکی یا دوری به محل سکونت دانشجو.



گروههای آموزشی بوده‌ایم در حالی که گردهمایی‌های صنفی و علمی ضامن بقاء و اعتلای بیشتر در مدیریت بخش‌های آموزشی می‌گردد. بیشترین ارتباط ممکن بین گروههای آموزشی کتابداری بواسطه مدرسان مشترکی است که گهگاه در فاصله کلاسها و یا جلسات گروه به بحث و مذاکره می‌پردازند. تجربه نشان می‌دهد که گروههای آموزشی ما با یکدیگر تقریباً بیگانه‌اند و این بیگانگی و گریز از یکدیگر سبب شده تا همکاریهای علمی، حرفه‌ای و مشاوره‌ای به صورتی سازمان یافته بین آنها وجود نداشته باشد و در نتیجه بازتاب صحیح و منطقی مشکلات و کمبودها از طرف گروهها به حوزه یا حوزه‌های تصمیم‌گیری دارای انسجام و هماهنگی لازم نبوده است. این مشکل هنگامی مضاعف می‌گردد که مشاهده می‌شود پس از توقف فعالیتهای انجمن کتابداران ایران و با تمام تلاش‌های بعمل آمده، جامعه کتابداری تا به حال از داشتن یک تشکل صنفی و علمی سازمان یافته و قوی محروم بوده است و جز حرکت جدید دست‌اندرکاران محترم کتابداری پزشکی که اخیراً منجر به تشکیل انجمن کتابداران پزشکی ایران گردیده است، هیچگونه تشکل حرفه‌ای بوجود نیامده است.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه جایگاه اداری، مالی و آموزشی گروههای کتابداری در دانشگاهها نسبت به سایر گروههای آموزشی بسیار ضعیف بوده و شاهد هستیم که توجهات مبذول شده از سوی مسئولان دانشکده‌ها و دانشگاهها به گروههای آموزشی یکسان نبوده و گروههای کتابداری بعلت نداشتن یک نیروی منسجم برای دفاع از حقوق اداری، مالی و آموزشی و به علت پشتوانه و جایگاه ضعیف خود همواره در رده‌های آخر توزیع امکانات و تسهیلات مختلف دانشگاهها به سر می‌برد و جز یکی دو مورد که مدیریت قوی در گروه سبب تعیین جایگاه شایسته برای آن شده است، بقیه گروههای آموزشی موضع قدرتمندی در جلسات و شوراها و مختلف دانشگاهی ندارند. در بررسی عوامل پیدایش چنین پدیده‌ای،

عامل مهمی وجود دارد که ناشی از ضعف ساختار پرسنلی و جایگاه ضعیف مرتبه‌های علمی مدرسان در گروههای کتابداری می‌باشد، مثلاً در برقراری شرایط لازم برای تأسیس گروه جدید که توسط کمیته تخصصی کتابداری با توجه به اهداف تعیین شده برای دوره کارشناسی در نظر گرفته شده پنج عامل بشرح زیر منظور گردیده است:

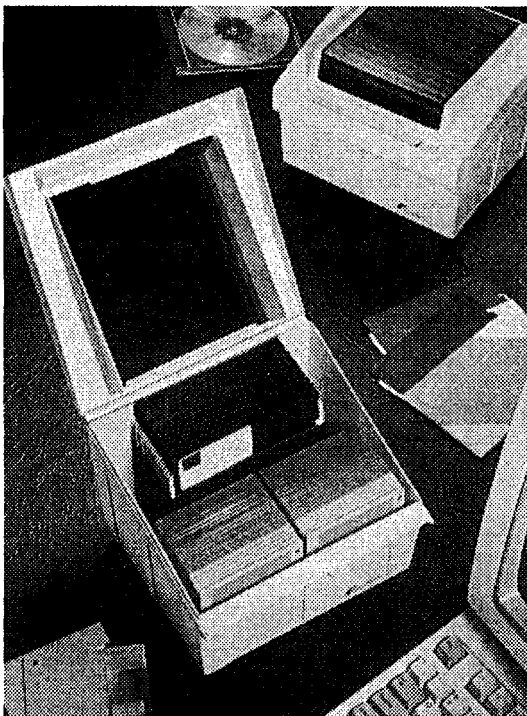
- ۱- حداقل مرتبه استادیاری برای مدیران گروه
- ۲- دارا بودن یک استادیار تمام‌وقت به ازاء هر ۲۰ نفر دانشجو
- ۳- دارا بودن یک مربی تمام‌وقت برای حداقل ۱۰ نفر دانشجو
- ۴- کتابخانه مجهز و منابع آموزشی
- ۵- آزمایشگاه یا کارگاه مجهز کتابداری

با توجه به شرایط فوق و نگاهی به وضعیت گروههای آموزشی مستقر در دانشگاههای الزهراء، علامه طباطبائی، تبریز، اصفهان، بیرجند و دانشگاههای شاهد و تربیت معلم تهران و نیز دانشگاههای علوم پزشکی کرمان، تبریز و اصفهان، پی می‌بریم در شرایطی که ۱۱ گروه آموزشی از ۱۸ گروه موجود دارای تعدادی از شروط تعیین شده توسط کمیته تخصصی در داخل کشور نمی‌باشند و فاصله زیادی نیز تا حصول به شرایط فوق دارند چگونه می‌توان انتظار دیگری داشت و باید اعتراف نمود که به مصداق ضرب‌المثل قدیمی، "از ماست که بر ماست".

در خاتمه عرض می‌شود که این گردهمایی علمی و حرفه‌ای، جای مناسبی برای بیان این واقعیت است که متأسفانه روند تأسیس گروههای کتابداری جدید در هر دو گرایش پزشکی و غیرپزشکی بدون رعایت ضوابط و شرایط لازم، جایگاه و وضعیت گروههای آموزشی این رشته را سست‌تر از آنچه که هست می‌نماید و این حالت در درازمدت لطمه بزرگی به جثه نحیف آموزش کتابداری ایران وارد می‌آورد.



گونه حمایت‌های صنفی و علمی، با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند و بدینسان خطر و خسارت اصلی متوجه دانشجویانی است که با صرف سرمایه‌های ملی پای به این رشته می‌گذارند و حتی پس از فارغ‌التحصیلی نیز ضعف موجود در آموزش کتابداری را به حساب اعتبار اندک رشته و حرفه کتابداری می‌دانند. به طور کلی، توجه به مراتب فوق نشان داد که نتایج ارزشیابی برنامه‌های آموزش کتابداری در سطحی مطلوب و قابل قبول نبوده و ایجاد تحولات اساسی در برنامه‌های آن اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.



پیشنهادهات

- ۱- اصلاح شیوه‌گزینش دانشجوی کتابداری و اجازه مشارکت گروه‌های آموزشی در تعیین شرایط لازم و اعمال کنترل‌هایی نظیر تجارب قبلی، علاقمندی و توانایی‌های علمی و عملی برای ورود دانشجویانی مستعدتر به این رشته.
- ۲- در نظر گرفتن سهمیه مخصوص برای لیسانسیه‌های کتابداری و یا گنجاندن شرط اشتغال به کار کتابداری برای

در تشریح وضعیت موجود آموزش کتابداری ایران موارد دیگری نظیر چگونگی دستیابی گروه‌ها به تجهیزات و امکانات آموزشی و کمک آموزشی، ارزشیابی روشهای تدریس در بین مدرسان، ارتباطات صحیح و منطقی بین استاد و دانشجو، تحقیقات و تألیفات، ارتباطات برون گروهی با گروه‌های همجوار نظیر کامپیوتر و زبان انگلیسی وجود دارد که به علت ضیق وقت پرداختن به آنها فعلاً امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

میزان نسبتاً زیادی از تنگناها و مشکلات موجود در آموزش کتابداری ایران تابعی است از نواقص کلی در نظام آموزش عالی کشور و بدون ایجاد اصلاحات و تغییرات لازم در این نظام، حل نهایی و یا بهبود نسبی مسائل و مشکلات این رشته ممکن نخواهد بود.

پذیرش ناصحیح دانشجو، برنامه‌های درسی کم اثر، عدم دسترسی به منابع و کتب درسی فارسی، عدم انگیزه جهت تألیفات و تحقیقات، مشکلات عدیده مدرسان در استفاده از حداکثر توان علمی و عملی و عدم مشارکت واقعی گروه‌های آموزشی در برنامه‌ریزیهای لازم از عمده‌ترین عواملی هستند که آموزش عالی کشور و طبعاً آموزش کتابداری نیازمند اصلاح و بهبود در آنها می‌باشد.

با بررسی فعالیت آموزشی سی ساله این رشته مشاهده می‌شود که با وجود توسعه کمی و کیفی آن، تغییرات و اصلاحات به عمل آمده به هیچ وجه بنیادی و زیربنایی نبوده و با توجه به اهداف پیش‌بینی شده، آموزش کتابداری در حال حاضر منطبق با نیازهای جامعه و کتابخانه‌ها نیست. کم توجهی به تجهیز کتابخانه‌ها و کتابداران متخصص، ایجاد کارگاه‌های مجهز آموزشی، اهمیت خدمات کتابداری و عدم توجه به درخواستهای صحیح و منطقی مدرسان، در درازمدت بسبب شده تا بستر مناسبی برای فعالیتهای مطلوب آموزشی در این رشته فراهم نباشد و لذا گروه‌های آموزشی به دور از هر

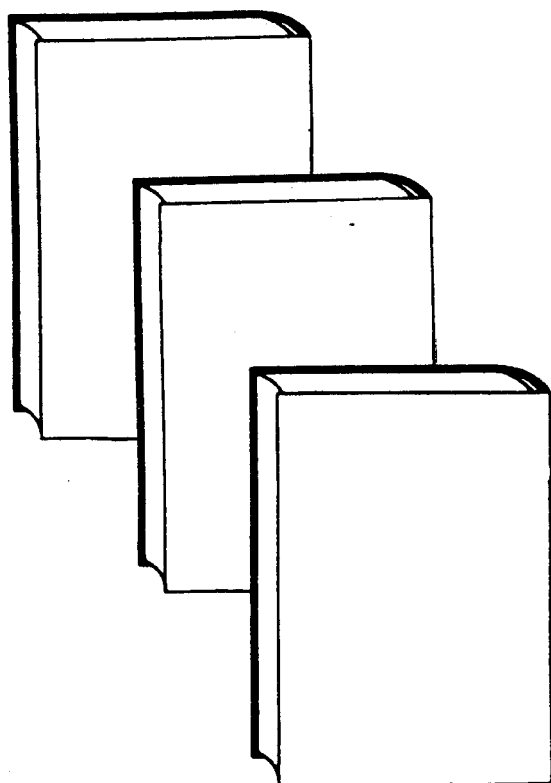


صحیح و سالم بین گروههای فعال در این رشته در کشور.
۹- جلوگیری از تأسیس گروههای جدید آموزشی، بدون توجه به امکانات آموزشی دانشگاهها و مطالعات کارشناسی لازم در جهت حصول حداقل شرایط تعیین شده از سوی کمیته تخصصی کتابداری.

یادداشتها

1. John Harvey. [History of librarianship in Iran] , IN: International hand book of contemporary developments in librarianship. Edited by Miles M. Jackson. Westport: Grean wood press, 1981. P. 149.

2. John F. Harvey. "Iranian Information Education". Journal of Education for library and Information science. Vol. 29, No.3 , (Winter 1989). P. 188-189.



سایرین در امتحانات ورودی دوره کارشناسی ارشد کتابداری.
۳- تأکید بر ضرورت انجام تحقیقات و تألیف و تهیه کتب درسی فارسی از سوی مدرسان و کتابداران صاحب نظر از طریق ایجاد انگیزههای لازم نظیر تحصیلات تکمیلی، شرکت در سمینارهای بین المللی، بهبود جایگاه اداری و مالی در دانشگاهها و نظایر آن.

۴- تجدید نظر در محتوای بعضی از دروس در مقطع مختلف مطابق با نیازهای کنونی جامعه و کتابخانه ها با توجه به پیشرفتهای تکنولوژیک اخیر و با مشارکت گروههای آموزشی. ایجاد هماهنگی های لازم در روش تدریس و کنترل تدریس سرفصل های ثابت در دروس معین توسط مدرسان در دانشگاههای مختلف کشور.

۵- توجه و پرداختن بیشتر به دروس عملی و کارورزی از طریق تهیه امکانات و تسهیلات لازم در جهت بهره گیری جدی و واقعی دانشجویان از این دروس و خروج از حالت تشریفاتی و کلیشه ای کنونی.

۶- لزوم ارتباطات درون گروهی بین مدرسان و همکاریهای علمی و مشاوره ای بین گروهها به صورتی منسجم و سازمان یافته در جهت تبادل افکار و نظرات کارشناسی از یک طرف و تقویت جایگاه علمی و صنفی این گروهها از طریق برگزاری جلسات، سمینارها و سایر مجامع علمی کتابداری و مطرح شدن جدی مشکلات و نیازهای گروهها در جلسات و شورای معاونین دانشگاهها.

۷- لزوم ایجاد تشکلهای صنفی و علمی سازمان یافته رسمی در قالب انجمن کتابداران و یا سازمانهای علمی و تخصصی قوی در جهت هدایت صحیح فعالیتها و تنظیم سیاستهای کتابداری در ایران، نظیر انجمن کتابداران پزشکی ایران که اخیراً تأسیس شده است.

۸- تشکیل جلسات گروههای آموزشی کتابداری هر شش ماه یا سالانه در جهت بحث و تبادل نظر در اطراف مسائل و مشکلات آموزشی موجود در گروهها و ایجاد ارتباطات